

#### ● مقدمه

یکی دیگر از مقاطع تاریخی که «وضعیت و عملکرد ترویج کشاورزی ایران» در آن مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است، دوره تاریخی سال ۱۳۴۱ الی ۱۳۵۷ می‌باشد.

ابتدای این مقطع زمانی، مصادف با وقوع تغییر اصلاحات ارضی در کشور و تقسیم اراضی مزروعی بین کشاورزان می‌باشد.

این اقدام که با هدف گسترش نفوذ قدرت اداری دولت مرکزی در مناطق روستایی کشور صورت گرفت، ضمن بروز تحولات و دگرگونی‌هایی در بخش کشاورزی و اضمحلال سیستم «اریاب و رعیتی» در مناطق روستایی، ترویج کشاورزی کشور را نیز به‌طور مستقیم تحت تأثیر قرار داده زیرا عوامل اجرایی ترویج کشور از سوی دولت و وزارت کشاورزی، مأمور اجرای قوانین اصلاحات ارضی شدند.

علت این امر درخشش عوامل اجرایی ترویج در دهه ۱۳۳۰ در زمینه

## بررسی سوابق و عملکرد ترویج کشاورزی در ایران

### از سال ۱۳۴۱ الی ۱۳۵۷

قسمت چهارم

بروز تحول و دگرگونی‌های بسیار مثبت در مناطق روستایی بوده که با اقدامات و کوشش‌های فراوان و مشمرثمر خود، آثار مثبت و سازنده‌ای را در بخش کشاورزی کشور برجای گذاشت. همچنین نظر به آشنایی و تسلط عوامل اجرایی ترویج در زمینه فعالیت در مناطق روستایی، وزارت کشاورزی - که مأمور اجرای اصلاحات ارضی در کشور بود - چنین صلاح دید که مروجین کشاورزی و همچنین سایر امکانات و منابع سازمان ترویج را به‌طور مستقیم درگیر این قضیه نماید.

این اقدام غیراصولی و نسنجیده، نقطه عطفی در جهت انحراف ترویج کشاورزی از اصول و اهداف راستین آن شد و آثار و تبعاتی را به‌بار آورد که تا مدت‌ها «ترویج کشاورزی» کشور را از انجام وظایف و مسئولیت‌های اصلی و اساسی خود بازداشت. در طول مدتی که سازمان ترویج کشاورزی درگیر امور اجرایی اصلاحات ارضی در کشور بود، انحراف دیگری در نحوه سازماندهی و

به‌کارگیری نیروی انسانی در ترویج کشاورزی بوقوع پیوست، که عبارت از «استفاده از سربازان وظیفه با عنوان «سپاه ترویج و آبادانی» در سازمان ترویج کشاورزی جهت خدمت در مناطق روستایی بود. این برنامه‌ریزی نه‌تنها هیچ‌گونه آثار مثبتی به‌دنبال نداشت، بلکه باعث بروز تبعات منفی در مناطق روستایی گردید.

پس از فراغت نسبی عوامل اجرایی سازمان ترویج از اجرای قوانین اصلاحات ارضی در کشور، راهکارهای مختلفی جهت سازماندهی و احیای مسجد ترویج کشاورزی در مناطق روستایی، برنامه‌ریزی و به مرحله انجام رسید. در این زمینه می‌توان به «طرح دهات نمونه» و «طرحهای افزایش تولید» اشاره نمود که هیچ‌کدام از برنامه‌های فوق نیز نتوانست آن‌گونه که شایسته است، ترویج کشاورزی کشور را بازسازی نموده و دوران طلایی دهه ۱۳۳۰ را تجدید نماید، تا اینکه در سال ۱۳۵۷ با وقوع انقلاب شکوهمند اسلامی در کشور، کلیه این برنامه‌ها متوقف شده و ترویج کشاورزی کشور پس از طی فراز و نشیبهای فراوان در انتظار ماند تا روزی به مسیر اصلی خود هدایت شود و اصول و اهداف آن مورد بازنگری جدی و مسئولانه قرار گیرد. در این مقاله وضعیت و عملکرد ترویج کشاورزی در مدت ۱۶ ساله «۱۳۴۱-۱۳۵۷» که یکی از دوران پرتلاطم ترویج در کشور می‌باشد، مورد بررسی قرار گرفته است. عمده‌ترین روش جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق، مراجعه به آثار و منابع مکتوب در ذخایر انتشاراتی کشور بوده است، لیکن رجوع به آراء و نظرات مجریان و دست‌اندرکاران قدیمی نیز تا جایی که امکان دسترسی به آنها وجود داشته، از نظر دور نمانده است.

## ● دخالت ترویج در اصلاحات ارضی

از زمان تشکیل سازمان ترویج تا

سال ۱۳۴۱ که عوامل اجرایی ترویج منحصراً به وظایف آموزشی خود عمل می‌کردند تحولات بسیار مثبتی را در مناطق روستایی به‌وجود آوردند. اما با شروع اصلاحات ارضی در کشور، اولین جرعه‌های انحراف در کار مروجین کشاورزی به‌وقوع پیوسته و وقفه و رکود نسبی را در فعالیتهای ترویجی در سال ۱۳۴۱ ایجاد نمود.

مهمترین هدف رژیم گذشته از اجرای اصلاحات ارضی در کشور عبارت بود از؛ کاهش فشار افکار عمومی و جلوگیری از وقوع انقلاب مردمی در مناطق روستایی که زیر سلطه ظالمانه عوامل فئودال و بزرگ مالکان قرار داشتند.

رژیم گذشته همچنین به‌منظور توسعه و گسترش نفوذ اداری و دیوانسالارانه خود در مناطق روستایی که اکثریت جمعیت کشور را در خود جای داده بود، صلاح را در این می‌دانست که قدرت و سلطه بزرگ مالکان و اربابها را در مناطق روستایی کشور تضعیف و مضمحل نماید. البته این امر با مقاومتهایی، حتی به‌صورت مسلحانه نیز مواجه گردید که ارتش همگی آنها را سرکوب و حاکمیت دولت مرکزی بر مناطق روستایی را استقرار و استمرار بخشید.

نظر به اینکه وزارت کشاورزی مأمور اجرای اصلاحات ارضی گردیده و این وزارتخانه نیز فاقد نیروی انسانی کارآمد و آموزش دیده جهت انجام این امر بود، لذا تصمیم گرفته شد با توجه به آشنایی مروجین کشاورزی به مناطق روستایی و همچنین کارایی بسیار بالای آنها - که در دهه ۱۳۳۰ به اثبات رسیده بود - سازمان ترویج کشاورزی و کلیه منابع و امکانات این سازمان در خدمت اجرای اصلاحات ارضی در کشور قرار گیرد.

هرچند که سازمان ترویج و مروجین کشاورزی با شناخت و کارایی بالایی که در زمینه فعالیت در مناطق

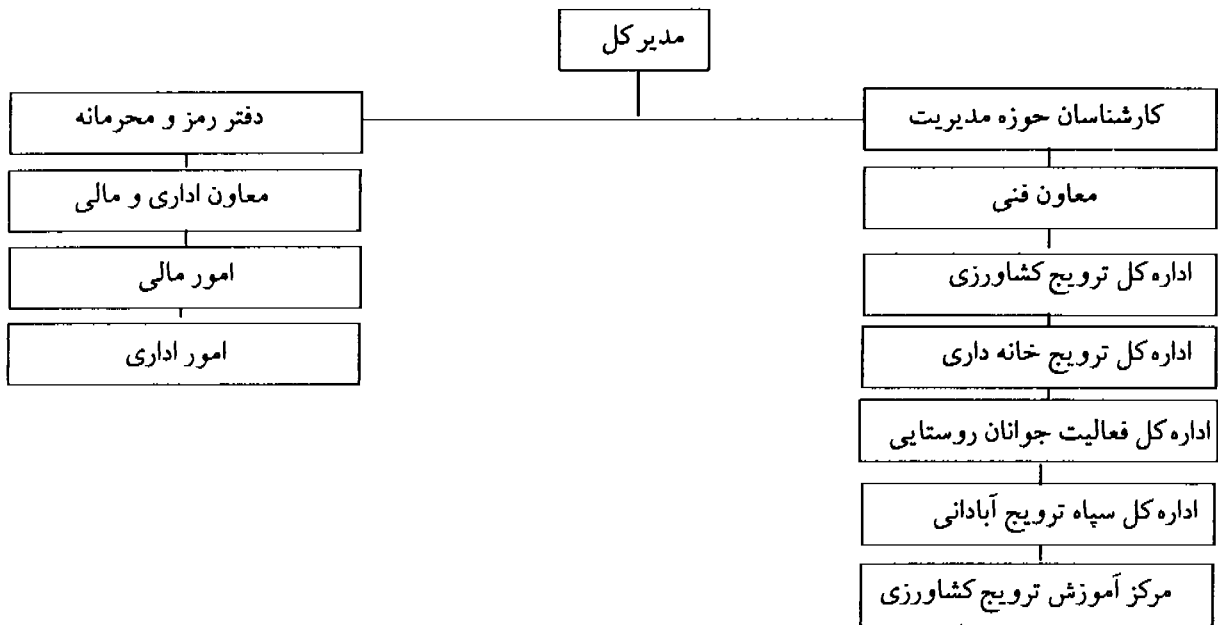
روستایی داشتند در این کار توفیق یافتند، اما نتیجه آن شد که شبکه ترویج کشور با بیش از ۲ هزار نفر مروج کشاورزی تعلیم دیده و ورزیده - که همگی مقیم در مناطق روستایی و علاقه‌مند به فعالیتهای ترویجی بودند - به انحراف کشیده شده و از هم پاشد.

شدت درگیری و دخالت «ترویج» در «اصلاحات ارضی» به‌حدی بود که کارشناسان متخصص ترویج استانها هر یک مجری اصلاحات ارضی یک شهرستان شدند و حتی رئیس اداره ترویج استان نیز مجری یک یا دو شهرستان گردید.

این وضعیت تا سال ۱۳۴۶ که وزارت کشاورزی به چهار وزارتخانه تبدیل شد، ادامه داشت. در آن سال «سازمان ترویج» با ستادی نسبتاً خوب، ولی با ادارات ضعیف ترویج استانها در وزارت کشاورزی باقی ماند. شایان توجه است که در مدت این ۶ سال، مروجین کشاورزی از فعالیتهای آموزشی و ترویجی فاصله گرفته و به‌ندرت برنامه ترویجی مؤثری در کشور پیاده شد.

پس از اجرای اصلاحات ارضی که موجب حذف مالک و ارباب از صحنه مدیریت روستاها گردید، مروجین کشاورزی مأموریت یافتند تا نسبت به تأسیس شرکتهای تعاونی در مناطق روستایی اقدام نمایند. عضویت کشاورزان در این شرکتها شرط اصلی تنظیم اوراق مالکیت اراضی تقسیم شده بین زارعین بود.

بنابراین مروجین کشاورزی علاوه بر دخالت در قوانین اجرایی اصلاحات ارضی، مسئول پیگیری، تشویق، توجیه و آماده کردن کشاورزان برای تشکیل شرکت‌های تعاونی و نیز عضویت در آن شرکتها شدند. مسئولیت و وظیفه اصلی این شرکتها انجام امور مشترک کشاورزی دهات تقسیم شده از قبیل نگاهداری قنوات و انهار، استفاده از ماشین‌آلات، عملیات مبارزه با آفات و



نمودار شماره ۱: روند فعالیت اداری سازمان ترویج در سال ۱۳۴۴

ترویج، کمبود نیروی انسانی شاغل در سازمان ترویج کشاورزی بود که اکثراً درگیر برنامه‌های اصلاحات ارضی شده بودند.

تشکیل سپاه ترویج بیشتر به منظور همسویی با سایر اصول صوری به اصطلاح «انقلاب سفید» صورت گرفت. زیرا با تشکیل سپاه دانش، سپاه بهداشت، سپاه عدالت، سپاه دانش دختران - که همگی عنوان «سپاه انقلاب» را داشتند - و با توجه به اهمیت ظاهری که رژیم برای بخش کشاورزی کشور قائل می‌شد، این بخش نیز نباید از این‌گونه «سپاه»‌ها بی‌بهره می‌ماند. بر این اساس سپاه ترویج و آبادانی نیز تشکیل شد.

علاوه بر این حضور افراد سپاهی در مناطق روستایی نشانه‌ای از حضور فیزیکی عوامل حکومتی در این مناطق و اعمال سیاستهای دولت مرکزی در روستاها بود. در حالی که این امر مسلم و بدیهی بود که جوانان تحصیلکرده شهری ناآشنا با جوامع روستایی که

در میان مروجین کشاورزی کم شده و یا به‌طور کلی از بین رفت.

۳- در مدت اجرای اصلاحات ارضی در کشور برنامه‌های آموزشی - ترویجی مؤثری در مناطق روستایی اجرا نگردید.

۴- هیچ‌گونه توجهی به تعلیم و آموزش مروجین کشاورزی صورت نگرفت.

۵- بدعت و سابقه‌ای نابهنجار در زمینه استفاده از امکانات و منابع سازمان ترویج در امور غیرمرتبط با وظایف و مسئولیتهای اصلی و اساسی به‌وجود آمد.

#### ● تشکیل سپاه ترویج و آبادانی

سپاه ترویج و آبادانی در سال ۱۳۴۳ با توجه ظاهری «استفاده از نیروهای جوان و تحصیلکرده در برنامه‌های ترویجی و عمرانی در مناطق روستایی به‌جای خدمت سربازی»، تشکیل گردید.

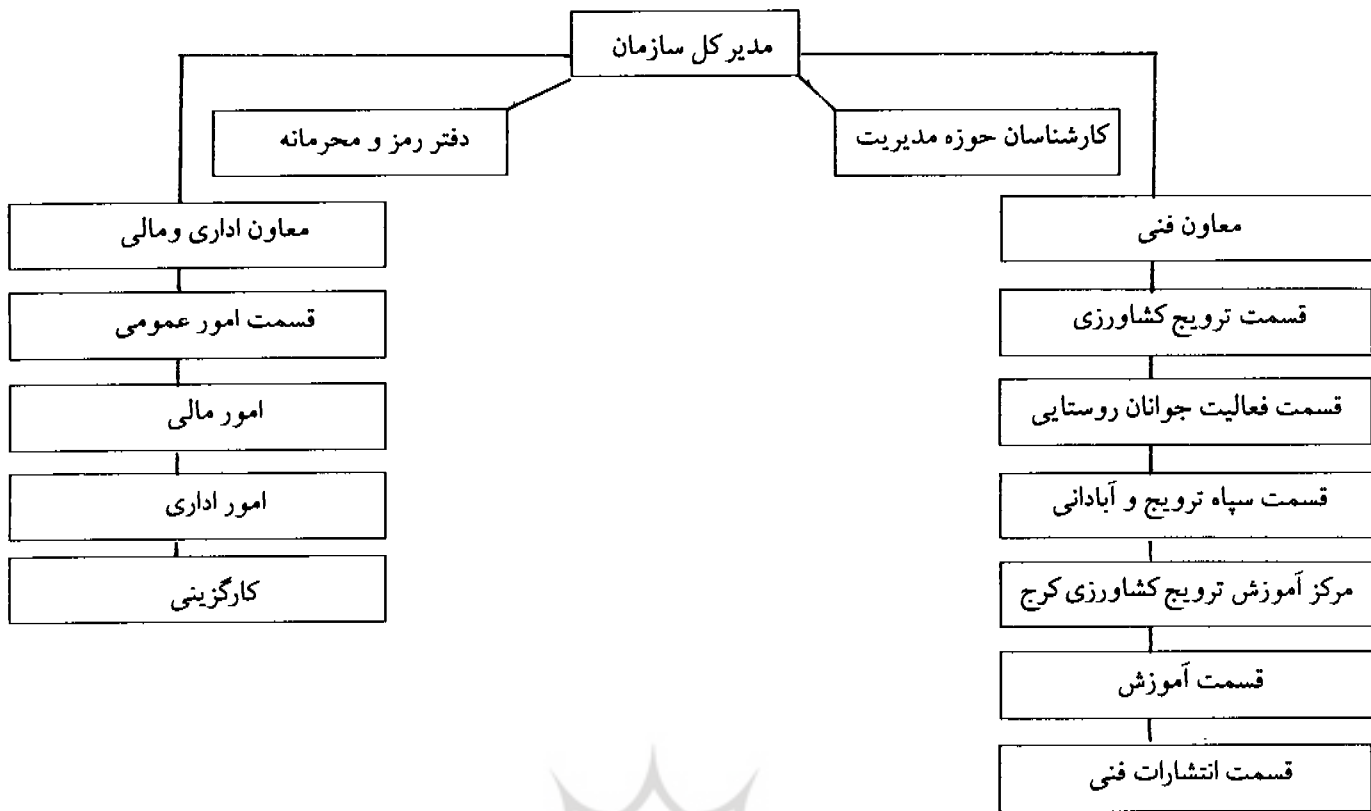
یکی از دلایل اصلی تشکیل سپاه

بیماریهای گیاهی و حیوانی و... بوده مروجین کشاورزی به‌دلیل کسب موقعیت اجتماعی ممتازی که در نتیجه دخالت در اصلاحات ارضی به دست آمده بودند و همچنین به علت دریافت امکانات و حقوق و مزایای بیشتر نسبت به قبل از آن، ظاهراً از درگیری در امور اجرایی اصلاحات ارضی استقبال می‌نمودند، بخصوص اینکه محل خدمت آنها نیز بعد از گذشت مدتی از روستاها به شهر منتقل می‌شد. این امر باعث شد تا به تدریج انگیزه خدمت در مناطق روستایی در میان عوامل اجرایی ترویج از میان رفته و این مسئله لطمه دیگری بر پیکره ترویج کشاورزی در کشور وارد نماید.

در یک بررسی کلی از پیامدهای دخالت ترویج کشاورزی در اصلاحات ارضی، چنین نتیجه گرفته می‌شود که:

۱- منابع و امکانات سازمان ترویج از دست رفته و در امور غیر ترویجی مورد استفاده قرار گرفت.

۲- انگیزه خدمت در مناطق روستایی



نمودار شماره ۲: تشکیلات اداری سازمان ترویج کشاورزی از سال ۱۳۴۷ تا سال ۱۳۵۲

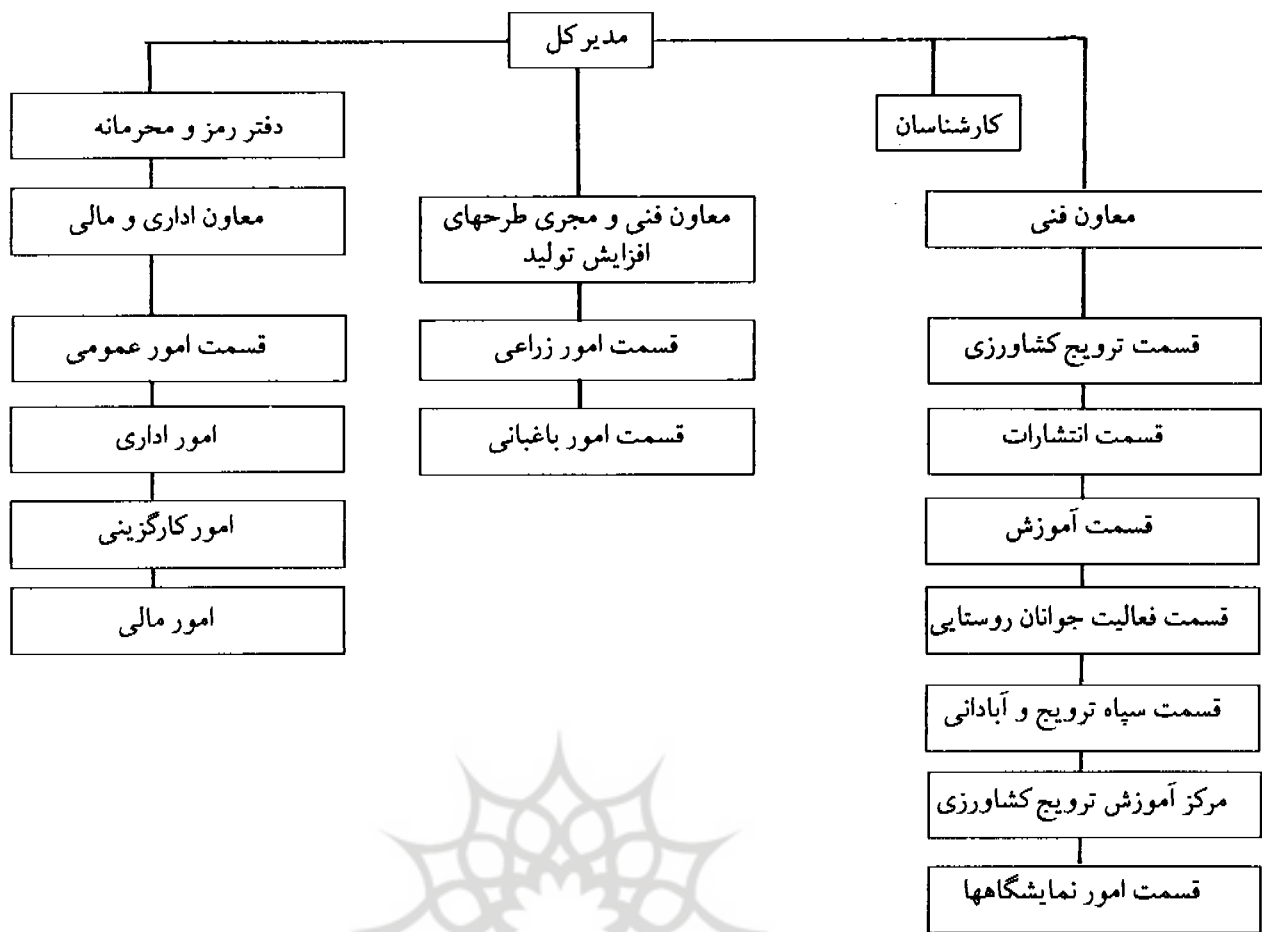
به دنبال توسعه بیشتر سازمان ترویج کشاورزی از لحاظ اداری و تشکیلات سازمانی در سال ۱۳۴۰ و اجرای قانون تشکیل سپاه ترویج و آبادانی (مصوب سال ۱۳۴۳ در سال ۱۳۴۴)، اداره کل سپاه ترویج و آبادانی به تشکیلات سازمان ترویج افزوده شد و براساس ماده ۷ همان قانون، تأسیس و راه اندازی گردید. نمودار شماره (۱) روند فعالیت سازمان ترویج در سال ۱۳۴۴ را نشان می دهد.

پس از تصویب قانون استخدام کشوری در سال ۱۳۴۵ و اجرای آن در سال ۱۳۴۷ توسط سازمان امور استخدامی کشور، با این توجیه که تشکیلات سازمان ترویج دارای قانون مصوب مجلس نیست، به صورت یکی از ادارات کل وزارت کشاورزی تنزل پیدا کرد، لیکن چون دارای شبکه گسترده سازمانی و اداری بود در عمل به صورت سازمان اداره می شد، اما

در دوران سپاهی گری می سنجند و در نتیجه به اعتقاد و ایمان آنها به این مکتب در جهت توسعه کشاورزی، خلل وارد آمده است تا جایی که حتی مدتهای طولانی آثار و تبعات منفی آن کاملاً برطرف نشده است. به هر حال در مورد عملکرد «سپاه ترویج» چنین اظهار نظر می شود که؛ سپاهیان ترویج بدون درک و آشنایی اصولی و عمیق با اهداف و فلسفه ترویج، صرفاً به کارهای نمایشی مورد نظر حکومت، وقت روی آورد و به انجام فعالیتهایی از قبیل شن ریزی و تسطیح کوچه ها، دفع فاضلاب، تعمیرات حمام، احداث مزرعه نمونه، واکسیناسیون دام و طیور، اقدام برای تهیه آب مشروب، بهداشت آغلها، مبارزه با آفات نباتی و حیوانی و... می پرداختند.

● **تشکیلات اجرایی - اداری سازمان ترویجی از سال ۱۳۴۱-۱۳۵۷**

برای مدت کوتاهی مأمور به خدمت در مناطق روستایی می شدند، فاقد هرگونه کارایی و صلاحیت جهت انجام امور ترویجی در روستاها باشند... تشکیل سپاه ترویج در مجموع نه تنها هیچ گونه تأثیر مثبتی در بهبود فعالیتهای ترویجی و عمرانی نداشت، بلکه با دخالت سازمان ترویجی در امور اداری و انضباطی سپاهیان ترویج، موجبات اتلاف وقت و هدر رفتن بسیاری از مناطق سازمان ترویجی نیز فراهم گردیده به هر حال به عینه می توان ادعا نمود که این امر یکی از عوامل اصلی انحراف ترویج از مسیر اصلی خود محسوب شده و در آن زمان معرف و بیانگر چهره نادرستی از ترویج در سطح مملکت گردید. چنانکه بسیاری از تحصیل کرده های دانشکده های کشاورزی که در آن زمانی دوران خدمت سربازی خود را در سپاه ترویجی طی کرده اند، مکتب ترویج را با تجربه خود



نمودار شماره (۳): تشکیلات اداری سازمان ترویج کشاورزی از سال ۱۳۵۲-۱۳۵۷ (تا پیروزی انقلاب اسلامی)

هر یک از طرحهای افزایش تولید بر روی یک نوع محصول خاص زراعی متمرکز می‌شد، برای مثال می‌توان به طرح افزایش تولید گندم، تولید برنج، دانه‌های روغنی و... اشاره نمود. وزارت کشاورزی برای اجرای هر یک از این طرحها، اعتبار مستقلی را از سازمان برنامه و بودجه دریافت کرده و برای هر یک نیز مجری مستقلی در تهران تعیین می‌نمود. در اغلب استانهای کشور، رؤسای ادارات ترویج کشاورزی، نمایندگی اجرای طرحهای مختلف را به‌عهده داشته و آنها نیز از کارکنان ترویج در اجرای طرحها، انعقاد پیمانها، تحویل نهاده‌های کشاورزی به کشاورزان و نظارت فنی استفاده می‌کردند. رئیس اداره ترویج (نماینده

۱۳۵۲-۱۳۵۷ (تا پیروزی انقلاب اسلامی ایران) در نمودار شماره (۳) ترسیم شده است.

#### ● طرحهای افزایش تولید

وزارت کشاورزی از آغاز برنامه عمرانی پنجساله چهارم کشور، پس از تجزیه وزارت کشاورزی به چهار وزارتخانه که در سال ۱۳۴۶ اتفاق افتاد، از ابتدای سال ۱۳۴۷ برنامه‌هایی را با عنوان «طرحهای افزایش تولید» در دستور کار خود قرار داد. هدف از اجرای این طرحها «ارائه توصیه‌های فنی همراه با توزیع نهاده‌های کشاورزی» بود. به‌عبارتی دیگر «تلفیق فن و اعتبار» به‌منظور افزایش عملکرد محصولات کشاورزی، صورت می‌گرفت.

به‌جای رئیس سازمان، «مدیرکل» داشت.

با این تحول و دگرگونی و همچنین با جدا شدن ترویج خانه‌داری از سازمان ترویج، نمودار اداری و تشکیلاتی آن سازمان در سال ۱۳۴۷ تا سال ۱۳۵۲ تغییر یافت. نمودار شماره (۲) چگونگی این تحولات را نشان می‌دهد: با محول نمودن طرحهای افزایش تولید به سازمان ترویج کشاورزی در فاصله سالهای ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۳، تشکیلات اداری این سازمان بار دیگر مورد تجدید نظر قرار گرفت و معاونتی جدید با عنوان «معاون فنی و مجری طرحهای افزایش تولید» به تشکیلات این سازمان اضافه گردید. تشکیلات اداری سازمان تسرویح از سال



مجری طرح افزایش تولید) مسئول پیگیری جهت تأمین، تدارک و حمل به موقع نهاده‌ها به مناطق روستایی شهرستانها بوده و بر حسب مورد یک مروج کشاورزی یا سپاهی ترویج نیز جهت نظارت بر عملیات کاشت تعیین می‌شد. در مدت اجرای برنامه عمرانی چهارم کشور، اکثر کارکنان و امکانات سازمان ترویج به نحوی درگیر اجرای طرحهای افزایش تولید شدند. و این امر سومین انحراف از اصول و اهداف اصلی ترویج بود که در آن کارکنان ترویج به طور گسترده‌ای در امور اجرایی همچون انعقاد پیمان با کشاورزان، توزیع نهاده‌ها، پیگیری وصول مطالبات از کشاورزان و... درگیر شدند و از وظایف و مسئولیتهای آموزشی فاصله گرفتند.

از جمله دلایلی که از سوی مسئولین وقت وزارت کشاورزی جهت اجرای طرحهای افزایش تولید ارائه می‌شد، این بود که «توصیه‌های فنی مروجین کشاورزی» به لحاظ فراهم نبودن نهاده‌های کشاورزی و سرمایه عملی نیست. همچنین این‌گونه مطرح می‌شد که در مدت بیست سالی که از عمر ترویج می‌گذرد، کشاورزان اطلاعات فنی لازم را کسب نموده‌اند و اینک برای به‌کارگیری این معلومات فنی نیاز به نهاده‌ها و سرمایه دارند تا اطلاعات فنی خود را در عمل پیاده نمایند.

اکنون که کارنامه و عملکرد طرحهای افزایش تولید پس از گذشت سالها مورد بررسی قرار می‌گیرد، مشاهده می‌شود که اجرای این طرحها توسط سازمان ترویج انحراف دیگری از اهداف راستین مکتب ترویج بوده است، زیرا در طول اجرای طرحهای افزایش تولید، تنها موردی که مورد بی‌توجهی کامل قرار گرفته است، موضوع راهنمایی، اهداف و نظارت فنی بر کار کشاورزان بوده است و همچنین اجرای این طرحها، درک مفهومی نادرست و انحرافی از ترویج را

در اذهان و باور کشاورزان و کلیه روستاییان و مسئولان و برنامه‌ریزان مملکتی به وجود آورده و گسترش داده است. لذا از آن پس روستاییان کشور، کارکنان ترویج و مروجین کشاورزی را در شکل یک مأمور اداری و اجرایی می‌دانستند که ملزم به رعایت و اجرای دستورات وی هستند تا نهاده‌های مورد نیاز را دریافت نمایند. در ضمن پیگیری مروجین کشاورزی جهت وصول مطالبات از کشاورزان و مقابله و ضدیتی که در این زمینه بین مروج و روستایی رخ می‌داد نیز عاملی مهم در جو بی‌اعتمادی و دشمنی بین نهاد ترویج و روستاییان بود.

### ● طرح دهات نمونه

یکی دیگر از برنامه‌هایی که جهت اصلاح و بهبود فعالیتهای ترویج کشاورزی در اواخر دهه ۱۳۴۰ به مرحله اجرا درآمد «طرح دهات نمونه» نام داشت. این طرح عمدتاً به منظور هماهنگ کردن عوامل اجرایی و خدمات فنی دستگاههای اجرایی وزارت کشاورزی در سطح روستاهای کشور و پشتیبانی از خدمات آموزشی کارکنان ترویج، پی‌ریزی گردید و از اول مهر ماه سال ۱۳۴۹ در ۷ استان کشور به‌طور آزمایشی به مرحله اجرا درآمد. هدف از اجرای این طرح توسط وزارت کشاورزی چنین بیان شده است: عرضه کردن خدمات فنی و ارشادی وزارت کشاورزی و ارائه تکنولوژی جدید به کشاورزان از طریق مأموران سطح‌ده (مروجان کشاورزی و سپاهیان ترویج و آبادانی). از آنجایی که کار و وظیفه اصلی ترویج کشاورزی، «تعلیم و راهنمایی کشاورزان با اصول صحیح و نوین کشاورزی و دامی» است و این وظیفه هر قدر با کیفیت بهتر و مؤثرتری انجام شود، به همان میزان در تغییر وضع کشاورزان و سیمای روستاها توفیق بیشتری حاصل خواهد شد. بنابراین ضرورت ایجاد هماهنگی و

همکاری واحدهای اجرایی وابسته به وزارت کشاورزی - که مسئول سرویس‌دهی خدماتی در سطح ده می‌باشند - بخوبی احساس می‌شود. با تمرکز نیروهای مختلف خدمات فنی و اجرایی وزارت کشاورزی در مناطق اجرای طرح می‌توان کلیه احتیاجات ده و کشاورزان را براساس برنامه صحیح و کاملی که قبلاً توسط مروج کشاورزی... تهیه و تنظیم شده است، در اسرع وقت و به‌نحو مؤثری مرتفع نمود.»

مسئول اجرای این‌گونه طرحها در هر یک از دهات نمونه - که با نظر کمیته فنی استان (مرکب از مدیرکل کشاورزی مسئولان ادارات مربوطه) انتخاب می‌شود - شامل افراد زیر می‌شوند:

- یک نفر سپاهی ترویج و آبادانی (دبلمه کشاورزی)

- یک نفر سپاهی ترویج و آبادانی (دکتر دامپزشک)

- یک نفر مروج کشاورزی که ۳ روستا را زیر پوشش قرار داده و با نظر سرپرست ترویج شهرستان که می‌بایستی مهندس کشاورزی باشد، انجام وظیفه نماید.

مسئولان اجرای این طرح در سطح شهرستان، سرپرست ترویج کشاورزی و در سطح استان، مدیرکل کشاورزی بوده است.

همان‌گونه که در شکل ۱ مشخص شده است، در اجرای طرح دهات نمونه، هشت دستگاه اداری وزارت کشاورزی دارای نقش و مسئولیت خاص خود بوده‌اند.

### فواید و محاسن اجرای طرح دهات نمونه

۱ - تمرکز و هماهنگی بین نیروهای اجرایی وزارت کشاورزی در سطح روستاها.

۲ - تبدیل مناطق اجرای طرح به مراکز آموزشی نمونه برای تعلیم و آموزش عملی مروجان و سپاهیان ترویج.

۳ - امکان ارزشیابی اقتصادی از لحاظ کمی و کیفی از برنامه‌های ترویجی.

- ۴ - افزایش خدمات فنی و ارشادی کارکنان ترویج در سطح روستاها.
- مراحل اجرای طرح دهات نمونه عبارت بودند از:
  - ۱ - تهیه و تنظیم فرم شناسنامه کلی روستا.
  - ۲ - تهیه و تنظیم شناسنامه برای هر یک از زارعین عضو طرح.
  - ۳ - تهیه و تنظیم برنامه و تقویم فعالیتهای سالیانه کشاورزان.

### ● وضعیت ترویج خانه‌داری در دوره زمانی ۱۳۴۱-۱۳۵۷

ترویج خانه‌داری که از سال ۱۳۳۵ جهت آموزش زنان و دختران روستایی با نظارت سازمان ترویج کشاورزی فعالیتهای خود را آغاز نمود، در سال ۱۳۳۶ تشکیلات وسیع‌تری به آن اختصاص یافت و به اداره کل تبدیل گردید. همچنین در ادارات ترویج هر استان نیز قسمتی مجزا با عنوان «ترویج خانه‌داری» تشکیل گردید که توسط یک نفر سرپرست اداره می‌شده و فعالیتهای ترویج خانه‌داری در شهرستانها و روستاها را نظارت می‌نمود.

هر مروج خانه‌داری که از سوی ترویج خانه‌داری شهرستان منصوب می‌شد، مسئولیت ارائه خدمات آموزشی به زنان و دختران روستایی یک روستا را برعهده می‌گرفت. به‌منظور سکونت مروجین خانه‌داری در روستا، از سوی اداره ترویج خانه‌داری ساختمانی برای محل زندگی و دفتر کار مروجین در نظر گرفته شده و اجاره بهای آن به روستاییان پرداخت می‌شد.

برنامه‌های آموزشی کارآموزان ترویج خانه‌داری به مدت ۹ ماه در آموزشگاه ترویج خانه‌داری در روستای «قلعه‌نو» ورامین اجرا می‌شد. کارآموزان پس از گذراندن این دوره آموزشی جهت کارآموزی عملی، مدتی را نزد مروجین خانه‌داری با سابقه فعالیت می‌کردند و سپس به‌عنوان «مروج خانه‌داری» در

حوزه جدیدی مستقر می‌شدند.

اولین گروه مروجین خانه‌داری در سال ۱۳۳۶ به روستاها اعزام شدند و در سال ۱۳۴۴ تعداد آنها به ۳۵۹ نفر رسید. براساس برنامه‌های آموزشی و تربیت و تعلیم مروجین خانه‌داری هر ساله ۶۰ نفر مروج جدید فارغ‌التحصیل شده و به کار مشغول می‌شدند.

تعداد مروجین خانه‌داری در پایان سال ۱۳۴۶ بالغ بر ۵۱۰ نفر بود. پس از وقوع اصلاحات ارضی در کشور که غالب پرسنل سازمان ترویج را درگیر امور اجرایی مرتبط با آن نمود، پرسنل ترویج خانه‌داری کوچکترین مشارکت و دخالتی در این‌گونه امور نداشته و تا سال ۱۳۴۶ هیچگاه از برنامه‌ها و فعالیتهای ترویجی و حضور مستمر در روستاها فاصله نگرفتند.

استمرار برنامه ترویج خانه‌داری تا سال ۱۳۴۶، یکی از دلایل عمده توفیق مروجان خانه‌داری و برنامه‌های ترویج خانه‌داری بود.

### مهمترین فعالیتهای مروجین خانه‌داری در مقطع زمانی ۱۳۳۵-۱۳۴۶

- الف - بهبود امور تغذیه، شامل پروژه‌های مرغداری، سبزیکاری، غذای کودک، آشپزی، ذخیره مواد غذایی و...
- ب - بهبود امور مسکن، شامل تزئین منزل، تغییر وضع ساختمان، آشپزخانه و...
- ج - بهبود امور بهداشت، شامل بهداشت عمومی، بهداشت شخصی، بهداشت کودک و...

د - بهبود امور پوشاک، شامل خیاطی، شستشوی البسه و نگاهداری آن و...  
 فعالیتهای ترویج خانه‌داری در مدت بیش از ۱۰ سال برعهده وزارت کشاورزی و با نظارت سازمان ترویج انجام می‌گرفت. در این مدت به‌خاطر تکیه بیشتر بر جنبه‌های آموزشی و دور بودن از فعالیتهای تبلیغاتی و همچنین زندگی در متن روستا و همراه بودن با

روستاییان، این اداره کارنامه نسبتاً موفقی از خود به‌جای گذاشت.

افزایش میزان اعتماد خانواده‌های روستایی به مروجین خانه‌داری و نفوذ آنها در بین زنان و دختران روستایی باعث گردید تا برنامه‌های موفقیت‌آمیزی در زمینه‌های خیاطی، آشپزی، مرغداری، بهداشت، سبزیکاری و تغذیه در مناطق روستایی به مرحله اجرا درآید.

برنامه‌های ترویج خانه‌داری در نهایت به استناد ماده ۲ قانون اصلاح قانون وزارت آبادانی و مسکن مصوب ۱۳۴۶/۱۰/۱۱، با کلیه امکانات، بودجه و پرسنل، از اواخر سال ۱۳۴۶ از وزارت کشاورزی و سازمان ترویج منتزع و به وزارت آبادانی و مسکن انتقال یافت.

ترویج خانه‌داری در وزارت آبادانی و مسکن چندان ادامه نیافت. و در تاریخ ۱۳۴۸/۱۰/۲۷ به وزارت «اصلاحات ارضی و عمران روستایی» منتقل گردید.

### ● برنامه‌های آموزش کشاورزی برای سربازان روستایی

سازمان ترویج کشاورزی از سال ۱۳۴۰ مسئولیت آموزش سربازان روستایی را برعهده‌دار گردید. بدین ترتیب که در ۲۱ پادگان نظامی کشور شامل پادگانهای فرح‌آباد، قصر و پادگان جی در تهران و ۱۸ پادگان در شهرهای مختلف کشور، برنامه‌های آموزش کشاورزی توسط سازمان ترویج به مرحله اجرا درآمد. این برنامه‌ها عبارت بودند از:

- الف - آموزش عملیات کشاورزی
  - ب - آموزش رانندگی تراکتور
- در کلاسهای آموزش کشاورزی، به سربازان مطالبی در زمینه زراعتهای مهم، سبزیکاری و درختکاری آموزش داده می‌شد و همچنین با استفاده از زمینهای پادگان، مزارع آموزشی، باغ نمونه میوه و مزرعه سبزیکاری احداث گردید.

در اداره‌های ترویج استانها یک نفر کارشناس - به‌عنوان مسئول آموزشی سربازان روستایی - یک نفر کمک کارشناس، یک نفر باغبان و دو نفر راننده تراکتور فعالیت و همکاری داشتند و برنامه آموزش سربازان را اجرا می‌نمودند.

برنامه‌های آموزش سربازان برای روستاییانی که دوره سربازی را طی می‌کردند، اجرا می‌شد. این برنامه‌ها تا حدود زیادی در آشنایی آنها با کشاورزی نوین مؤثر بود و از نظر آموزش تراکتور نیز توفیق خوبی داشت و سالانه تعدادی از سربازان موفق به اخذ گواهینامه رانندگی تراکتور می‌شدند.

این نوع فعالیتها و برنامه‌ها در نهایت از سال ۱۳۵۴ به بعد با تأسیس سازمان آموزش کشاورزی از سازمان ترویج منتزوع و به سازمان آموزش ملحق گردید و بعد از انقلاب اسلامی نیز به‌طور کلی تعطیل شد.

## ● بررسی رهیافتهای ترویجی در کشور از بدو تأسیس تا سال ۱۳۵۷

عمده‌ترین قالب ترویج کشاورزی از بدو تأسیس تا وقوع انقلاب اسلامی در ایران نظام یا رهیافت متعارف ترویج بوده است، ولی در عین حال رهیافتهای دیگری همچون «رهیافت توسعه تولید تک‌محصولی»، «رهیافت توسعه جامع کشاورزی» و «رهیافت توسعه جامع روستایی» در مقاطع زمانی مختلف و در برخی از مناطق کشور به کار گرفته می‌شد.

در قالب رهیافت متعارف ترویج که از بدو تأسیس سازمان ترویج استفاده می‌گردید، ضمن توجه به ترویج محصولات اساسی زراعی و باغی، به ترویج امور دام نیز پرداخته می‌شد و تقریباً تمامی کشاورزان، مخاطبان برنامه‌های ترویج محسوب می‌شدند و همچنین ارتقاء سطح زندگی و رفاه مردم روستایی از اهداف اساسی

سازمان ترویج بود.

با به‌کارگیری «رهیافت متعارف ترویج» در سنوات اولیه، با وجود اینکه ترویج نهاده‌ها و تکنولوژی جدید مانند بذور اصلاح شده، کودهای شیمیایی، دامهای اصیل، نهالهای اصلاح شده، سموم دفع آفات، ماشین‌آلات و ادوات کشاورزی و... موجبات تغییر در روشهای متداول و سنتی را فراهم آورد، اما در زمینه حل مسائل و مشکلات کشاورزان از طریق فعالیتهای تحقیقاتی، در این دوره جای تردید و ابهام وجود دارد. با وجود اینکه در نظام رهیافت «متعارف ترویج» در زمینه حل مسائل کشاورزان از طریق متخصصین موضوعی و فعالیت نهادهای تحقیقاتی، پیش‌بینی و برنامه‌ریزیهای لازم صورت گرفته بود، لیکن در عمل در این خصوص شواهد کافی موجود نیست. به همین دلیل پس از گذشت ۱۰ سال از فعالیتهای ترویج در کشور و ارائه توصیه‌های اولیه، سازمان ترویج و مروجین کشاورزی، توصیه‌های چندان مناسب و سودمندی را جهت ارائه به کشاورزان در اختیار نداشتند، و علت اصلی این امر عدم ارائه عملکرد مناسب و مؤثر نهادها و مراکز تحقیقات کشاورزی در کشور بوده است.

از دیگر ویژگیهای به‌کارگیری «رهیافت متعارف ترویج» استفاده بیشتر و بهره‌مندی افزون‌تر کشاورزان و مالکان بزرگ از تکنولوژیهای جدید در مقایسه با کشاورزان خرده‌پا بوده است.

گذشته از رهیافت متعارف ترویج، به‌کارگیری «رهیافت تک‌محصولی» نیز در کشور ما سابقه نسبتاً طولانی داشته است. به‌عنوان مثال می‌توان به «انحصار دخانیات ایران» و سپس «شرکت دخانیات» اشاره نمود که کلیه امور مربوط به تحقیق، ترویج و آموزش و همچنین ارائه خدمات و نهادهای لازم تا مرحله فروش و عرضه نهایی در انحصار شرکت فوق قرار داشت.

از سال ۱۳۵۲ به بعد نیز که اجرای طرحهای افزایش تولید به سازمان ترویج کشاورزی واگذار شد، طرحهای مختلفی که از مصادیق رهیافت تک‌محصولی کالا بوده‌اند، روند روبه‌رشد خود را در بخش کشاورزی آغاز نمودند. مانند طرحهای افزایش تولید گندم، برنج، علوفه، ذرت، مرکبات، حبوبات و...

از دیگر رهیافتهای به کار گرفته شده در این مقطع زمانی، «رهیافت توسعه جامع کشاورزی» است که در دهه ۱۳۴۰ با ایجاد سازمانهای عمران در مناطق مختلف کشور، مورد توجه برنامه‌ریزان و مسئولان مملکتی قرار گرفت.

سازمانهای عمران رشت، قزوین، کهگیلویه و بویراحمد، ماهدشت و سر پل ذهاب، جیرفت و سیستان و یسلوچستان، از جمله اقدامات و فعالیتهای مربوط به به‌کارگیری رهیافت توسعه جامعه کشاورزی می‌باشند.

از اقدامات و عملکردهای فوق چنین انتظار می‌رفت که میان تمامی اجزای مؤثر بر روند افزایش تولید و توسعه کشاورزی و احتمالاً توسعه روستایی، هماهنگی، ارتباط مؤثر و انسجام لازم را ایجاد نماید. لذا تجمع فعالیتهای مرتبط با توسعه کشاورزی با مدیریتی واحد، از ضروریات حتمی این رهیافت محسوب می‌شد که در نهایت منجر به توفیق برنامه‌های توسعه کشاورزی می‌گردید.

درخصوص عملکرد این رهیافت در کشور ما، چنین نتیجه‌گیری می‌شود که سازمانهای عمران ایجاد شده در امر ترویج کشاورزی و اشاعه روشهای نوین و مفید بین کشاورزان، از اصول و فلسفه اصلی ترویج فاصله گرفتند و به‌جای ارائه اطلاعات و تکنولوژی مدرن و قانع نمودن کشاورزان در به‌کارگیری روشهای جدید، از شیوه‌های تحکم‌گرایانه استفاده نموده و هر توصیه‌ای را که صحیح تشخیص



می‌دادند در مزارع کشاورزان پیاده و سپس هزینه آن را از محل فروش محصول زارع برداشت می‌نمودند. لذا دخالت در امور کشاورزان و زندگی کشاورزان تا بدانجا پیش رفت که کشاورزان علاوه بر عدم مشارکت در برنامه‌ها، از شیوه مقاومت منفی در مقابل مأموران دولتی سازمانهای عمران استفاده می‌کردند همین امر موجب گردید تا دستگاههای اجرایی در رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده با شکست مواجه شوند.

### ● منابع و مآخذ

- ۱- ارمنجان، حسن، وزیر کشاورزی وقت، مصاحبه مطبوعاتی، مورخ ۱۳۴۰/۱۰/۲۴.
- ۲- اصلاحات ارضی در ایران، روابط عمومی وزارت کشاورزی، تهران، ۱۳۴۱.
- ۳- ایروانی، هوشنگ، تاریخچه آموزش و ترویج کشاورزی در ایران، نشر مشهد، ۱۳۷۱.
- ۴- زمانی‌پور، اسدالله، «بیست و پنج سال تلاش و توفیق ترویج در ایران»، مجموعه مقالات پنجمین سمینار علمی ترویج کشاورزی، ۱۳۷۰.
- ۵- سازمان ترویج کشاورزی، گزارش فعالیت طرحهای افزایش تولید، ۱۳۵۲.
- ۶- سازمان ترویج کشاورزی، کارنامه سال ۱۳۵۶، انتشارات سازمان ترویج، ۱۳۵۷.
- ۷- سازمان ترویج کشاورزی، مجله مروج، شماره‌های ۱ تا ۱۱، سالهای ۱۳۴۴-۱۳۴۶.
- ۸- شهبازی، اسماعیل، ترویج و توسعه روستایی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
- ۹- طالب، مهدی، مدیریت روستایی در ایران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۱.
- ۱۰- فخرشفا، ارسطو، عمران روستایی در ایران، (پایان‌نامه دوره دکتری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی دانشگاه تهران، ۱۳۴۶).
- ۱۱- علیزاده شایق، جمیل، ترویج کشاورزی، تاریخچه، اهداف و اصول آن، اداره کل کشاورزی استان مازندران، ۱۳۶۲.
- ۱۲- ملک‌محمدی، ایرج، مبانی ترویج کشاورزی، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ دوم، ۱۳۷۲.
- ۱۳- وزارت کشاورزی، گزارش مقدماتی سیاست و خط مشی برنامه‌های ترویج کشاورزی در برنامه عمرانی پنجم کشور، دفتر برنامه‌ریزی وزارت کشاورزی، ۱۳۵۱.
- ۱۴- وزارت کشاورزی، طرحها و بررسی‌ها، دفتر برنامه‌ریزی وزارت کشاورزی، ۱۳۵۱.

بقیه از صفحه ۱۳۳

مستعد کشور به مورد اجرا درآید.

۲- در اجرای این طرح از همکاری کارشناس ترویج، متخصص موضوعی، (کارشناس بهداشت و متخصص ماهی) استفاده به عمل آید.

۳- دولت تمهیدات اعتباری مناسبی را برای تولیدکنندگان و پرورش‌دهندگان ماهی از طریق مزارع پرورش با رعایت ترویجی قراردادی فراهم نماید.

۴- به منظور بهره‌گیری بهتر تولیدکنندگان از تسهیلات اعتباری و نهاده‌ای تشکیل‌ها و انجمن‌های پرورش دهندگان ماهی در قالب تعاونی‌های ایجاد گردد.

### منابع فارسی

- ۱- فانو، ماهی، غذا و توسعه. گزارش فائو در باره شیلات جهان، مترجمان مسعود حق‌بین و بهروز گرانپایه و محسن گودرزی، شرکت سهامی شیلات ایران، تهران ۱۳۷۱.
- ۲- کرمی، عزت‌الله، فنا، ابوطالب. بررسی نظریه‌پرازیها در ترویج کشاورزی. معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد سازندگی. تهران ۱۳۷۳.
- ۳- شریعتی، محمدتقی. تأثیر آموزشهای ترویجی بر افزایش تولید و گسترش کارگاههای پرورش ماهی در استان گیلان. دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران ۱۳۷۱.

### منابع لاتین:

- 1- Gerhardsen G.M. Aquaculture and Integrated Rural Development with special References to Economic Factors Advanced Aquaculture 1984.
- 2- Pilly, T.V.R. World Aquaculture and its future state Advanced Aquaculture 1984.

بقیه از صفحه ۱۴۳:

استفاده از تجارب کشورهای یاد شده در ایران (توجه جدی به آموزش جوانان روستایی) [آمریکا] (رهیافت خانواده)، فیلیپین، چین].

۲۰- بررسی چگونگی مشارکت مردم در هزینه‌های آموزشی، ترویجی و

علل مشارکت ایشان (آلمان و چین).

۲۱- استفاده از تجارب (ایالات متحده آمریکا) در ترویج خانه‌داری و جوانان با توجه به پیشینه و قوت آن و همچنین متأثر بودن ترویج ایران از این کشور در گذشته.

۲۲- نقش امکانات، بودجه، ارتباطات و... در توسعه ترویج (آمریکا).

۲۳- بررسی روشهای آموزشی و ترویجی مورد استفاده در موارد گوناگون (در کشورهای یاد شده) و استفاده از آنها در شرایط کشور.

۲۴- روشهای تعیین رهبران و توجه به تقویت ایشان (فیلیپین و غیره).

۲۵- چگونگی ارتباط و همکاری با انجمن جهانی زنان روستایی (فیلیپین).

۲۶- استفاده درست از تبلیغات جهت نشان دادن نقش زن در جامعه و خانواده و معرفی زنان روستایی نمونه شاخص (بالا بردن ارزش زن، کاهش زادوولد و اهمیت سواد از راههای گوناگون (کشورهای یاد شده)).

۲۷- ایجاد نشریات ترویجی و آموزشی مربوط به امور زنان و استفاده از تجارب کشورهای مختلف برای کشور (آلمان، آمریکا و...).

البته باید به این نکته توجه کرد که هدف از این پیشنهادها "ایده‌یابی" از کشورهای یاد شده می‌باشد نه "کپی برداری محض".

پی نویسیها:

- 1- Seaman Knapp
- 2- Smith Lever Act
- 3- National Grange
- 4- Martha Van Rensselaer
- 5- Home Management
- 6- Home Marker Clubs
- 7- Farm Bureau Center
- 8- Home Demonstration Club
- 9- Specialist Subject Matter
- 10- Women's Federation
- 11- Solidarity Groups
- 12- Technical Service Station For Farming
- 13- Maria O. Rosa
- 14- Senior Management Techniecian
- 15- Home Management Techniecian
- 16- Rvral Improvement Clubs - PIC